

## نقد و نظر در باب

# «سلجوقدنامه»

علی و میلانیان

## اثری از زشنمند

### در تاریخ سلجوقيان

#### سلجوقدنامه

تالید

خواجہ امام ظهیر الدین نیشاپوری  
که از پادشاهان شاهزاده و فاتح گردید

دیل سلجوقدنامه

تالید

ابو حمید محمد بن ابراهیم

که در سده ۱۰ ق مذکور شد

از تصرف

کمال خاور

با اسی ریال

تیرماه ۱۳۲۲

حقایق اسلام

پایه نشریه

ظهیر الدین نیشاپوری، به اهتمام  
اسماعیل افشاری، تهران: انتشارات  
کمال خاور، ۱۳۲۲

كتاب سلجوقدنامه نوشته خواجه امام ظهیر الدین نیشاپوری (متوفی، حدود سال ۵۸۲ هـ. ق) در نیمة دوم قرن ششم، هجری و در سال‌های پایانی حکومت سلاجقه در ایران نگاشته شده است. نویسنده تاریخ سلاجقه را از ابتدای حضور آنان در ایران تا مرگ معزالدین ارسلان (۵۷۱ هـ. ق) و جلوس طغی سوم (۵۹۰ - ۵۷۱ هـ. ق) آخرین پادشاه سلجوقدنامه به رشته تحریر درآورده است.<sup>۱</sup> در سال ۵۹۹ هـ. ق ابوحامد محمد بن ابراهیم واقع پادشاهی طغی سوم را به صورت ذیلی بر کتاب سلجوقدنامه افزوده است. مدتها تصویر بر این بود که کتاب سلجوقدنامه از بین رفته است اما مرحوم اسماعیل افشار نسخه‌ای کامل از کتاب را که با کتاب زبدۃ التواریخ ابوالقاسم کاشانی یکجا جلد شده بود را یافته و در سال ۱۳۳۲ هـ. ش به چاپ آن اقدام نمود.

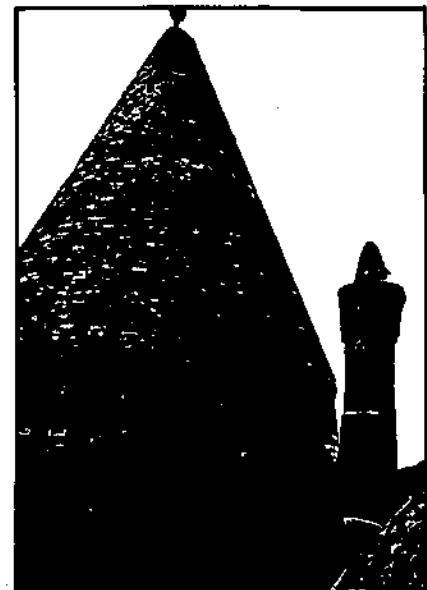
شناخت ما نسبت به نویسنده کتاب سلجوقدنامه منحصر به اختصار اطلاعی است که راوندی در کتاب راحة الصدور و آیة السرور ارائه نموده است. از گفتار راوندی بر می‌آید که نویسنده کتاب سلجوقدنامه از بزرگان درباری عهد سلجوقدنامه و معلم دو تن از شاهزادگان این سلسله بوده، و در عهد آخرین حاکم سلجوقدنامه ایران طغی ارسلان به نگارش کتاب خود اقدام نموده است.<sup>۲</sup>

کلودکامن در تقسیم بندی منابع تاریخی عهد سلجوقدنامه به دو دسته متمایز از منابع اشاره دارد؛ وی وجه تمایز این منابع را دوگانگی زبان آنها می‌داند. دسته اول منابع مورد اشاره کاهن منابعی است که به زبان عربی نگاشته شده است. از جمله این منابع می‌توان به «زبدۃ النصر، تخبۃ العصر»<sup>۳</sup>، «المنتظم فی تاریخ الملوك والامم»<sup>۴</sup> و «الکامل فی التاریخ»<sup>۵</sup> اشاره کرد. دسته دیگر از منابع کتاب‌هایی است که به زبان فارسی نگاشته شده است. از جمله این منابع می‌توان به کتاب سلجوقدنامه، راحة الصدور آیة السرور، جامع التواریخ<sup>۶</sup> و تاریخ گزیده<sup>۷</sup> اشاره کرد.<sup>۸</sup> لازم به تذکر است که این دو دسته منابع نه تنها به لحاظ زبانی بلکه از نظر اطلاعات و مندرجات تاریخی تیز تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند.

سلجوقدنامه به دلیل آن که قدیمترین کتاب از گروه کتاب‌های نوشته شده به زبان فارسی بوده و همچنین به دلیل تأثیر فراوانی که بر سایر کتب تاریخی فارسی زبان پس از خود گذاشته، از اهمیت بسزایی برخوردار است تا آنجا که کلودکامن معتقد است: سلجوقدنامه، «به طور مستقیم یا غیرمستقیم، جزء منابع اصلی و گاهی تنها مأخذ همه نویسندهای بوده است که از رشید الدین و مستوفی قزوینی به بعد در دوران مغول و تیموریان به زبان فارسی تاریخ عمومی نوشته و فصلی از آن را نیز به سلجوقدنامه اختصاص داده‌اند».<sup>۹</sup>

این نکته مهم که تقریباً تمامی کتب نوشته شده به زبان فارسی که به بحث پیرامون عهد سلجوقدنامه پرداخته‌اند سلجوقدنامه را مأخذ خود قرار داده‌اند بسیار پراهمیت بوده و محققینی که به بحث پیرامون این دوره تاریخی می‌پردازند هموارا باید آن را متنظر داشته باشند. عدم توجه به این موضوع گاه به بحث پیرامون واقعه قتل خواجه نظام‌الملک طرسی<sup>۱۰</sup> گردیده است. برای مثال مؤلف تاریخ ایران کمیریج آن گاه که به بحث پیرامون این دوره تاریخی منجر گشته باشد، عدم توجه به این موضوع گاه به بحث پیرامون واقعه قتل خواجه نظام‌الملک طرسی<sup>۱۱</sup> گردیده است. این گفتار برخی از منابع را که سلطان ملکشاه سلجوقدنامه<sup>۱۲</sup> در توطئه قتل نظام‌الملک داشته‌اند را مطرح کرده که به طور پنهانی با نزاریان ارتباط داشته (خان‌الملک ابوالعنان)، در توطئه قتل نظام‌الملک داشته‌اند را مطرح کرده است. به اعتقاد مؤلف تاریخ ایران کمیریج با توجه به اینکه رشید الدین فضل الله همدانی نیز در کتاب جامع التواریخ به نقش ملکشاه و تاج‌الملک در قتل نظام‌الملک اشاره نموده و با عنایت به اینکه رشید الدین فضل الله به منابع و استناد نزاریان الموت دسترسی داشته گفتاری پیرامون دخالت سلطان و یکی از درباریان سلجوقدنامه در قتل خواجه نظام‌الملک می‌تواند قابل اعتماد باشد.<sup>۱۳</sup> برای توضیح بیشتر پیرامون این موضوع لازم است تا مقایسه‌ای مابین مندرجات سلجوقدنامه و جامع التواریخ پیرامون واقعه قتل نظام‌الملک، صورت گیرد.

جامع التواریخ	سلجوقدنامه
<p>... بر جمله چون سمع سلطان از عثرات نظام‌الملک پر کردند روزی بوی پیغام داد که همانا که با من در ملک شریکی که ولایت و اقطاع به اولاد و اقرباء خود توفیض می‌کنی و در ملک هر تصرف که میخواهی بی مشورت من میکنی میخواهی که بفرمایم که دوات و زارت از پیش و دستار از سرت بردارند نظام‌الملک بجواب می‌گویند که دوات من و تاج بهم توامیان و متصل‌اند اما فرمان او را باشد. ناقلان نقام و خاین برای رضای ترکان خاتون بر آن اخوات بسیار مزید کردند و عرض داشتند خشم و غصب سلطان از این سخن زیادت تر گشت او را بدست تاج‌الملک باز داد او را با ملاحظه زیاد شد و را باتج‌الملک سپرد او را با ملاحظه در نهان آشنازی و انتسابی و آشنازی بود و سلطان از این خبر نداشت. و سلطان را در آن نزدیکی از اصفهان بطریق بغداد نهضت افتاد چون بنها وند رسیدند ملاحظه مخاذیل نظام‌الملک را کاردند هم با - عزاء تاج‌الملک ...<sup>۱۴</sup></p>	<p>... بر جمله چون سمع سلطان از عثرات نظام‌الملک پر کردند روزی بوی پیغام داد که همانا که با من در ملک شریکی که ولایت و اقطاع به اولاد و اقرباء خود توفیض می‌کنی و در ملک هر تصرف که میخواهی بی مشورت من میکنی میخواهی که بفرمایم که دوات و زارت از سرت بردارند نظام‌الملک بجواب می‌گویند که دوات من و تاج بهم توامیان و متصل‌اند اما فرمان او را باشد. ناقلان نقام و خاین برای رضای ترکان خاتون بر آن اخوات بسیار مزید کردند و عرض داشتند خشم و غصب سلطان از این سخن زیادت تر گشت او را بدست تاج‌الملک باز داد او را با ملاحظه زیاد شد و را باتج‌الملک سپرد او را با ملاحظه در نهان آشنازی و انتسابی و آشنازی بود و سلطان از این خبر نداشت. و سلطان را در بجانب بغداد نهضت افتاد چون بنها وند رسیدند فدائی نظام‌الملک را کاردند و هم با عزاء و اغواء تاج‌الملک ...<sup>۱۵</sup></p>



مقایسه‌ای اجمالی مابین دو متن ارائه شده هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که خواجه رشیدالدین فضل الله تقریباً کلمه به کلمه مندرجات سلجوقنامه را در کتاب خود رونویسی کرده است، به همین دلیل نیز این عقیده مؤلف تاریخ کبریج که گفتار رشیدالدین را به دلیل دسترسی وی به منابع اسماعیلی قابل اعتماد دانسته، رد می‌نماید زیرا که سال‌ها قبل از فتح قلاع اسماعیلیه و دستیابی رشیدالدین به منابع آنان مؤلف سلجوقنامه به موضوع دخالت ملکشاه و تاج‌الملک در قتل نظام‌الملک اشاره نموده است، و گفتار رشیدالدین نیز نه براساس اسناد اسماعیلی که براساس مندرجات سلجوقنامه به رشتة تحریر درآمده است.

پیرامون ارزش تاریخی کتاب سلجوقنامه همواره باید به این نکته توجه داشت که به دلیل نگارش این کتاب در سال‌های پایانی حکومت سلاجقه در ایران و عدم دسترسی نویسنده، یا عدم استفاده وی، از منابع اصلی این دوره<sup>۱۳</sup> مندرجات سلجوقنامه پیرامون پادشاهان اولیه سلجوقی از صحت و اعتبار کمتری برخوردار است. برای مثال آن گاه که مؤلف سلجوقنامه به بحث پیرامون نبرد ملازگرد (۴۶۲ هـ، ق)، مابین سلاجقه و حکومت روم شرقی، می‌بردازد، داستانی را ذکر می‌کند مبنی بر اینکه قبل از نبرد آلب ارسلان با صد نفر از سپاهیانش به اسارت رومیان در می‌آیند اما رومیان متوجه نمی‌شوند که سلطان سلجوقی را به اسارت گرفته‌اند. نظام‌الملک طوسی وزیر سلطان از این ناآگاهی رومیان استفاده کرده با ذیرگی موفق می‌شود آلب ارسلان را از اسارت خلاص نماید. در شرایطی که رومیان تا پایان تیز متوجه نمی‌شوند که شاه سلجوقی را در اسارت داشته‌اند.<sup>۱۴</sup>

این حکایت تنها در سلجوقنامه و منابعی که از این کتاب بهره برده‌اند ذکر گردیده و سایر منابع عهد سلجوقی که واقعه نبرد ملازگرد را با دقت و جزئیات کامل شرح داده‌اند هیچ اشاره‌ای به این واقعه نکرده‌اند. به نظر می‌رسد مؤلف سلجوقنامه که بیش از صد سال پس از نبرد ملازگرد به ذکر جریان این نبرد پرداخته داستان‌هایی را که پیرامون این نبرد در میان مردم رواج داشته وارد تاریخ خود کرده است.

عدم دقت مؤلف سلجوقنامه همراه با رونویسی کلمه به کلمه از این کتاب توسط سایر مورخین باعث شده تا برخی اشتباهات تاریخی سلجوقنامه در سایر منابع تکرار گردیده، منجر به شکل‌گیری پاره‌ای از ابهامات پیرامون تاریخ سلجوقیان گردد. برای نشان دادن نمونه‌ای از این ابهامات می‌توان به اعقاب عزل نظام‌الملک اشاره نمود. پیرامون این واقعه ما با دو دسته از منابع مواجه‌ایم، دسته‌ای اول منابعی هستند که معتقد‌ند سلطان ملکشاه سلجوقی در اواخر عمر نظام‌الملک را از وزارت عزل و تاج‌الملک ابوالحنان را به جانشینی وی انتخاب کرده است. از زمرة این منابع می‌توان به کتب سلجوقنامه، راحة الصدور آیه‌السرور، تاریخ گزیده و آثار وزراء اشاره کرد.<sup>۱۵</sup> اما دسته‌ای دیگر از منابع تاریخی همچون النکامل فی التاریخ و

تجارب السلف نظری متفاوت با  
منابع دسته اول ابراز داشته و  
معتقدند که نظام‌الملک تا پایان  
عمر مقام وزارت سلطان  
ملکشاه را حفظ نموده و  
تاج‌الملک ابوالفنان تنها پس از  
قتل نظام‌الملک نامزد مقام  
وزارت می‌گردد ولیکن با مرگ  
ملکشاه این موضوع نیز منتفی  
گردیده، و تاج‌الملک هیچ‌گاه به  
وزارت سلطان ملکشاه دست  
نمی‌یابد.<sup>۱۶</sup>

به اعتقاد نگارنده این سیطور  
عامل اختلاف نظر منابع،  
اشتباهی است که مؤلف  
سلجوقنامه مرتکب گردیده  
است. برای اثبات این ادعا لازم  
است تا مساقیسه‌ای مابین  
مندرجات سلجوقنامه پیرامون  
واقعه عزل نظام‌الملک و سایر  
کتبی که به این واقعه اشاره  
نموده‌اند صورت گیرد:

راحه الصدور آیه السرور	سلجوقنامه
زیوعلی بد و از بورضا و از بوسعد	قبضا راسلطان در آخر عهد دولت خود جمله اصحاب دیوان که قدیمی مناصب قدیمه را تبدیل و تغیر فرمود آن نیز بر او مبارک بودند تبدیل فرمودند این نیز بر او مبارک نیز بود ...
تاریخ گزیده	نظام‌الملک وزیر را بنای‌الملک ابوالفنان بدل کرد و شرف‌الملک ابوسد الملک ابوسد استوفی را که منصب چهان بود بعد مجدد الملک قمی که الملک ابوالفضل قمی که ابوطاهر خاتونی در حق او گوید.
آنثار الوزراء	آنثار الوزراء

راحه الصدور آیه السرور	سلجوقنامه
زیوعلی بد و از بورضا و از بوسعد	زیوعلی بد و از بورضا و از بوسعد <sup>۱۷</sup>
شهاک شیر پیش تو همچو میش امد	شهاک شیر پیش تو همچو میش امد
در آن زمانه زهر که امدی بدرگه تو میشر ظفر و فتحنامه پیش امد	در آن زمانه زهر که امدی بدرگه تو میشر ظفر و فتحنامه پیش امد
زیوالفنانه و بالفضل و بالمعالی باز	زیوالفنانه و بالفضل و بالمعالی باز
زین مملکت را ثبات پیش امد	امین مملکت را ثبات پیش امد
گراز نظام و کمال و شرف تو سیر شدی	گراز نظام و کمال و شرف تو سیر شدی <sup>۱۸</sup>
زتاب و مجد و سیدید نگره پیش امد	زتاب و مجد و سیدید نگره پیش امد
تاریخ گزیده	آنثار الوزراء
زیوعلی بد و از بورضا و از بوسعد	زیوعلی بد و از بورضا و از بوسعد
شهاک شیر پیش تو همچو میش امد	شهاک شیر پیش تو همچو میش امد
در آن زمانه زهر که امدی بدرگه تو میشر ظفر و فتح نامه پیش امد	در آن زمانه زهر که امدی بدرگه تو میشر ظفر و فتح نامه پیش امد
گراز نظام و کمال و شرف تو سیر شدی	زیوالفنانه و بالفضل و بالمعالی باز
زتاب و مجد و سیدید نگره پیش امد	زین مملکت را ثبات پیش امد

### كتاب سلجوقنامه نوشته

خواجه امام ظهیرالدین نیشابوری  
(متوفی، حدود سال ۵۸۲ هـ. ق) در

نیمة دوم قرن ششم هجری  
نگاشته شده است. تویسنده،

تاریخ سلاجقه را از ابتدای حضور آنان در  
ایران تا مرگ معزالدین ارسلان  
(۵۷۱ هـ. ق) و جلوس طغل سوم  
(۵۷۱-۵۹۰ هـ. ق)، آخرین  
پادشاه سلجوقی به رشتة تحریر  
درآورده است.

ترتیب ارائه مطالب، تکرار اشعار ابوطاهر خاتونی و ابوالمعالی نحاس، و سایر مشایهت‌های متون ارائه شده هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که کتاب سلجوقدنامه مأخذ کلیه متابعی است که به عزل نظام‌الملک در پایان عمر اشاره کردند. با توجه به این موضوع لازم است تا مندرجات سلجوقدنامه در این بخش با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. مشاهده شد که در آن قسمت از سلجوقدنامه که موضوع عزل نظام‌الملک و جایگزینی تاج‌الملک مطرح گردیده به عزل کمال‌الدوله ابورضا فضل‌الله بن محمد و جانشینی وی توسط سیدالملک ابوالمعالی اشاره گردیده است. کمال‌الدوله رئیس دیوان رسائل و انشاء در دوران ملکشاه بود. در سال ۴۷۶ ه. ق. وی و پسرش سید‌الرؤسای دشمنی و توطنه علیه نظام‌الملک متهشم شدند. سید‌الرؤسای به فرمان ملکشاه کور و کمال‌الدوله تیز مقام خود را ز دست داده، مؤید‌الملک فرزند نظام‌الملک جایگزین وی گردید.<sup>۲۰</sup> نتیجه آنکه برخلاف مندرجات سلجوقدنامه عزل کمال‌الدوله در اواخر سلطنت ملکشاه و وزارت نظام‌الملک نبوده و او در اواسط دوران حکومت ملکشاه و در اوج اقدار نظام‌الملک عزل گردیده است. به علاوه بعد از برکناری کمال‌الدوله فرزند نظام‌الملک، مؤید‌الملک، و نه سید‌الملک، به جانشینی وی انتخاب می‌گردد. و سرانجام اینکه در عهد ملکشاه کمال‌الدوله مسئولیت دیوان رسائل و انشاء را به عهده داشته است، در حالی که سید‌الملک عارض لشکر بوده و وی نه تنها بالا فاصله بعد از عزل کمال‌الدوله بلکه هیچ گاه در طول زندگی خود به ریاست دیوان رسائل و انشاء منصوب نمی‌گردد.<sup>۲۱</sup> با کمی دقت دلیل وجود اشتباہات مکرر در این قسمت از کتاب سلجوقدنامه را می‌توان مشخص کرد. مؤلف سلجوقدنامه در ضمن بحث پیرامون واقعه عزل نظام‌الملک قطعه شعری به نقل از ابوالمعالی نحاس، از شعرای معاصر با دوران نظام‌الملک، ذکر کرده است. شعر مذکور با این بیت به پایان می‌رسد.

#### گر از نظام و کمال و شرف تو سیری شدی      زجاج و مجد و سیدت نگرچه پیش آمد

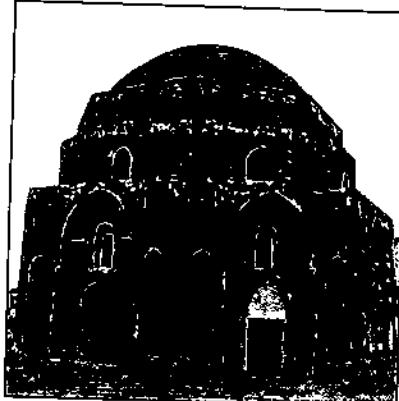
همان گونه که مشخص است افرادی که نامشان در مصraig اول این بیت آمده (نظام‌الملک، کمال‌الدوله، شرف‌الملک) همان کسانی هستند که به اعتقاد مؤلف سلجوقدنامه در اواخر عمر ملکشاه بر کنار شده‌اند و افزای نامبرده در مصraig دوم (تاج‌الملک، مجد‌الملک، سید‌الملک)، نیز جانشینان آنان هستند. با توجه به مطابقت فهرست عزل شبدگان و جایگزین‌های آنان در سلجوقدنامه با شعر ابوالمعالی نحاس و با توجه به اینکه از سه مورد عزل و جایگزینی دو مورد (برکناری نظام‌الملک و جایگزینی تاج‌الملک، برکناری کمال‌الدوله و جایگزینی سید‌الملک) به لحاظ تاریخی قابل اثبات نبوده و سایر منابع نیز آن را تأیید نمی‌کنند می‌توان حدس زد که مؤلف سلجوقدنامه با استناد به شعر مذکور چنین خبری را درج کرده است. اما وی در تفسیر این شعر دچار اشتباہ گردیده زیرا که شعر ابوالمعالی نحاس هیچ اشاره‌ای به عزل و جایگزینی گروهی به جای گروه دیگر نداشته و مؤلف سلجوقدنامه با استنباط شخصی خود از این شعر به چنین نتیجه‌ای رسیده است. مؤید این گفتار آن که شعر ابوالمعالی نحاس را اتوشیروان بن خالد، که معتبرترین کتاب را پیرامون وقایع این عهد نگاشته و از معاصرین با خواجه نظام‌الملک نیز بوده، در کتاب خود آورده است، اما او برخلاف مؤلف سلجوقدنامه اشاره‌ای به عزل نظام‌الملک و جایگزینی تاج‌الملک و همچنین اشاره‌ای به جایگزینی سید‌الملک به جای کمال‌الدوله نکرده است.<sup>۲۲</sup> با توجه به آنچه گفته شد می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که واقعه عزل نظام‌الملک به دلیل اشتباہ ظهیر الدین نیشابوری برای نخستین بار در سلجوقدنامه مطرح گردیده و به دلیل استفاده وسیع سایر مورخین از این کتاب انکاسی گسترده در دیگر منابع تاریخی داشته است.

با وجود ایرادات واردہ بر سلجوقدنامه این کتاب همچنان به عنوان قدیمترین کتاب تاریخی عهد سلجوقدنامه، به زبان فارسی، که به دست ما رسیده، دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. هدف نگارنده این مقاله از ارائه برخی اشتباہات مندرج در کتاب نیز به هیچ وجه به معنای نفی ارزش‌های آن نمی‌باشد. در هر پژوهش تاریخی نقد منابع اصلی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف هر منبع از مهمترین وظایف پژوهشگر می‌باشد. ایرادات واردہ بر سلجوقدنامه نیز تنها در راستای شناخت هرچه بهتر از این کتاب در جهت استفاده مطلوب‌تر محققین از آن مطرح گردیده است.

#### توضیحات و ارجاعات:

- کلوکاهن معتقد است که شروع تألیف کتاب در عهد معز الدین ارسلان و اتمام آن در عهد طغرل بوده است. «بررسی منابع تاریخی مربوط به دوره سلجوقدنامه» اسماعیل دولتشاهی، غلامرضا همایون، سخن، دوره بیست و سوم، ادامه در صفحه ۱۷

گبید جبلیه (گبید گمری) دوره سلجوقدنامه، کرمان



کلوکاهن معتقد است سلجوقدنامه  
به طور مستقیم یا غیرمستقیم،  
جزء منابع اصلی و گاهی  
تنها مأخذ همه نویسنگانی  
بوده است که از رسید الدین  
و مستوفی قزوینی  
به بعد در دوران مغول و تیموریان  
به زبان فارسی تاریخ عمومی  
نوشته و فصلی از آن را  
نیز به سلاجقه اختصاص داده‌اند.

نمای چند برج کبوتر در اطراف اصفهان

